

## آینده پژوهی در پرتو انتظار پویا با تأکید بر کارکرد وحدت امت اسلامی

راضیه علی اکبری \*

### چکیده

امروزه، «آینده پژوهی»، به عنوان دانش شناخت و شکل دهی به آینده، جایگاه مهمی در دنیا پیدا کرده و به عرصه‌های مختلف زندگی انسان‌ها وارد شده است. آینده مطلوب، بر اساس آموزه‌های اکثر ادیان و مذاهب، در ظهور منجی قابل تحقق است و در اسلام، آموزه مهدویت به عنوان مهم‌ترین بعد آینده‌پژوهی قلمداد می‌شود. مقاله حاضر، با روش تحلیلی - توصیفی و با هدف تعمیق و تثبیت جایگاه آینده پژوهی دینی بر اساس آموزه مهدویت و بررسی نقش مهدویت در آینده پژوهی و شکل دهی به آینده مطلوب؛ نقش آینده‌پژوهی و کارکردهای فرهنگی اجتماعی آن، بویژه کارکرد وحدت امت اسلامی را، به عنوان یکی از مهم‌ترین کارکردهای این عرصه، در جهت زمینه‌سازی تحقق شرایط ظهور، پی‌جویی کرده و آینده جهان را بر اساس تبیینی که از آموزه مهدویت متبادر می‌شود، مورد کاوش قرار می‌دهد. بررسی‌های انجام شده حاکی از این است که وحدت اسلامی زمانی شکل می‌گیرد که افرادی با اهداف و آرمان‌های مشترک، رویکرد واحدی اتخاذ کنند. دستیابی به جامعه برتر و موعود ادیان و رسیدن به سعادت و کمال، آرمان تمام انسان‌های موحد است و این، زمانی محقق می‌شود که همه یکتاپرستان عدالت خواه، در صف واحدی قرار گرفته و با پیوستن به حکومت جهانی مهدوی، تحت رهبری موعود قرار گیرند. در نتیجه می‌توان گفت این آرمان مشترک، در سایه وحدت اسلامی به دست می‌آید.

واژگان کلیدی: مهدویت، آینده‌پژوهی، انسجام اجتماعی، وحدت اسلامی، مسلمانان.

«جامعه آرمانی»، موضوعی است که در طول تاریخ بشر، همواره ذهن اندیشمندان و متفکران اجتماعی را به خود مشغول داشته است و موجب پدید آمدن طرح‌های متعددی گردیده که در خلال آن‌ها، جامعه‌ای مطلوب ترسیم شده است. در میان این طرح‌های آرمان‌شهری، دین مبین اسلام، فرجام تاریخ و جامعه بشری را بسیار روشن و امیدآفرین ترسیم کرده و علاوه بر نوید آینده‌ای روشن در پایان تاریخ، همواره پیروان خود را به رعایت برخی امور در تحقق جامعه‌ای مطلوب در هر عصر و زمانی دعوت کرده است.

ظهور حضرت مهدی موعود<sup>ع</sup> و شکل‌گیری جامعه آرمانی اسلام، آخرین حلقه مبارزات اهل حق و باطل است و اسلام از پیروان خود می‌خواهد که در جهت آن جامعه آرمانی به تلاش و کوشش بپردازند و انتظاری پویا را پیشه خود سازند. اما این مسئله جای طرح دارد که آینده پژوهی چگونه می‌تواند آموزه مهدویت را تبیین کرده و برنامه‌ها و سیاست‌های خود را در جهت آن تعیین کند؟

آنچه مشخص است، این که هنوز آن گونه که شایسته است، «مهدویت»، نقطه کانون و محوری برنامه و فعالیت‌ها قرار نگرفته و راهبردهای مشخصی در مورد آن اتخاذ نشده است. علت آن نیز فقدان اندیشه جامع در سیاست‌گذاری‌ها، بر اساس آینده‌پژوهی است؛ یعنی نه تنها از آینده‌پژوهی نسبت به مهدویت شناخت درستی وجود ندارد؛ بلکه راهبردها و استراتژی‌های خاص هم در بین نیست. از این رو باید با تغییر سیاست‌ها و خط مشی‌های مبتنی بر آینده‌پژوهی در این زمینه، موجب تغییر و دگرگونی اساسی در نوع نگاه‌ها نسبت به مهدویت خواهد شد و جایگاه محوری و بنیادی آن، نه تنها در سیاست‌ها و برنامه‌های کلان مشخص گردد؛ بلکه در جهت تبیین، ترویج و تبلیغ آن نیز راهبردهای مشخصی ارائه شود. این امر، به این نکته نیازمند است که نوع نگاه و رویکردها نسبت به مهدویت و بهره‌مندی از آینده‌پژوهی تغییر یابد و در مسیر صحیح آن قرار گیرد، تا در این زمینه بتوان نظریه‌پردازی کرد.

آینده‌پژوهی سه وظیفه عمده برای خود در نظر گرفته است: «رویاریابی آگاهانه با روندهای آتی، به منظور کاهش خسارت‌های ناشی از غافل‌گیری پدیده‌ها»؛ «تصحیح روندهای موجود با

نگاه به آینده» و «تلاش برای شکل‌گیری آینده مطلوب». در این جهت با توجه به این که اسلام دینی اجتماعی بوده و هدف آن، نه تنها پرورش افراد دیندار، بلکه ساختن جامعه‌ای مطلوب و نمونه است؛ یکی از اهداف آینده‌پژوهی دینی «وفاق اجتماعی، صلح، آرامش و عدالت اجتماعی» است؛ اجتماعی که روابط آن بر اساس اهداف و احکام دین سامان گیرد. در این جامعه ارزش‌مدار، معتدل و جهانی، سعادت فرد با سعادت جامعه پیوند خورده و میان مسئولیت‌های اجتماعی و ایمان اسلامی، ارتباطی قوی و جدایی ناپذیر به وجود می‌آید.

**ضرورت تحقیق:** در علم آینده پژوهی، آموزه مهدویت، کارکردهای فردی و اجتماعی دارد. در پژوهش حاضر، کارکرد اجتماعی و به طور خاص مسئله وحدت اسلامی مورد نظر است. وحدت اسلامی، به مثابه اصلی قاطع و ضروری در همه زمان‌ها محسوب می‌شود و از مفاهیمی است که مورد توجه و تأکید خاص اسلام قرار گرفته و قوام و دوام جامعه، بدان وابسته است. در آرمان شهر مهدوی نیز این موضوع، تأمین‌کننده منافع و مصالح اعضای آن و موجب استقرار امنیت و توسعه عدالت فردی و اجتماعی است.

**اهداف تحقیق:** اهداف اصلی تحقیق در سه عرصه قابل تبیین است: «تعمیق و تثبیت جایگاه آینده پژوهی دینی بر اساس آموزه مهدویت»، «بررسی و تبیین نقش مهدویت در آینده پژوهی و شکل‌دهی به آینده مطلوب» و «تبیین آموزه مهدویت در سطح فراگیر و جهانی با بررسی کارکرد وحدت اسلامی».

از منظر نگارنده با تکیه بر علم آینده‌پژوهی و به کارگیری کاربردهای آن، می‌توان آموزه مهدویت را تبیین کرد؛ اما مهم آن است که جامعه اسلامی نیز با وحدت خود، بکوشد حرکتی تکاملی و رو به رشد داشته باشد.

## ۱. مفهوم شناسی

### الف) آینده‌پژوهی

«آینده‌پژوهی»، در پی شناسایی آینده‌ای ممکن و مطلوب و کاربست آن در زمان حال؛ یکی از روش‌های مدرن مطالعه آینده است که از شاخه‌های فناوری‌های نرم محسوب

می‌شود و هدف آن، تولید روش‌مند دانش راهنما و استفاده بیش‌تر از ملاحظات آینده محور در فرآیند تصمیم‌گیری است (پرومیچیچ، ۱۳۸۷: ۱۱). رسالت آینده‌پژوهی، شناخت دقیق همه اجزای نظام، کارکرد آن‌ها و چگونگی میان‌کنش آن‌ها با عوامل بیرون از نظام می‌باشد.

آینده پژوهی به انسان کمک می‌کند که از درون «تغییرات امروز»، «واقعیت فردا» را استخراج کرده و تصمیم‌گیری مربوط به آینده را در زمان حال صورت دهد. دانش و بینشی که آینده‌پژوهی در اختیار انسان می‌گذارد، او را در کسب موقعیت برتر در عرصه رقابتی یاری رسانده و در نتیجه فهم و درک نیروها و عوامل مؤثر بر زمینه فعالیت‌های شخصی و سازمانی؛ او را درباره تغییرات احتمالی آینده هوشیارتر می‌کند و به همگان اجازه می‌دهد آینده‌های محتمل و آینده‌های بایسته و مسیر رسیدن به آینده مطلوب را بدانند. آینده پژوهی معنوی نیز بر تأثیر ویژه ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای انسانی بر شکل‌گیری آینده مثبت و متعالی تأکید می‌ورزد و همگان را بر پایداری به دین و معنویت دعوت می‌کند تا نتایج درخشان آن را در زندگی خود شاهد باشند (منصوری، ۱۳۷۷: ۷۳).

کاربرد آینده پژوهی این است که مردم را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها، و مخاطرات احتمالی آینده هوشیار نگه می‌دارد؛ ابهام‌ها، تردیدها و دغدغه‌های فرساینده را تا حدی می‌کاهد و توانایی انتخاب‌های هوشمندانه جامعه و مردم را افزایش می‌دهد. این علم، دانش و معرفت «شکل بخشیدن به آینده»، به گونه‌ای آگاهانه است (ملکی فر، ۱۳۸۵: ۷).

همه ادیان الهی، دارای آموزه‌ها و گزاره‌هایی‌اند که با آینده بشر ارتباط تنگاتنگی دارد (ابراهیم نژاد، ۱۳۸۵: ۶۰۲)؛ بخصوص در فرهنگ اسلامی، آموزه‌ها و گنجینه‌های بی‌بدیلی برای هدایت و به تحرک واداشتن نسل‌های فعلی و آتی وجود دارد و باید با بهره‌برداری از این گنجینه‌ها و منابع عظیم، نیازهای روز جامعه و بشر را پاسخ داد. به عبارت صحیح، این توانمندی، خود فناوری نرمی است که به زمینه‌سازی برای تولید انبوه نیاز دارد.

موضوع از این زاویه بسیار با اهمیت و قابل تأمل است که بدانیم اسلام دارای ظرفیت جهانی شدن است و گزاره‌هایش آینده سازند؛ چرا که اسلام، دینی است که بنا بر ماهیت خود و نه به پشتیبانی‌های گسترده مالی و سیاسی، دین آینده و فراگیر بشری خواهد بود

(کنیری، ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۲۲). از جمله مهم‌ترین آموزه‌های آینده ساز دین «آموزه مهدویت» می‌باشد و بنا به آموزه‌های اسلامی، ظهور آن حضرت قطعی است؛ هرچند زمان ظهور قطعی نمی‌باشد. نکته جالب توجه این که زمان ظهور امام علیه السلام بنا بر آمادگی و خواست جامعه انسانی و بویژه شیعیان، ممکن است به تعجیل افتاده یا به تأخیر افتد (نودهی، ۱۳۸۴: ۱۷-۱۸).

مفهوم انتظار منجی، موضوعی است که می‌تواند همچون قوه محرکه بدیلی در فرایند ساخت آینده جامعه، مورد بهره برداری قرارگیرد. لذا آن نوع از آینده نگاری می‌تواند کشور ما را به مسیر اراده الهی رهنمون گردد که یکی از محورهای کلیدی آن، تقویت فرهنگ انتظار و ساختن انسان‌هایی منتظر در شهر منتظران باشد (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۰: ۷۲).

برخی از اندیشوران و فلاسفه، نظیر علامه طباطبایی، آینده روشن انسان را در قالب هدایت عمومی موجودات توجیه و تفسیر می‌کنند و از منظر هدایت عمومی، انسان را رو به کمال دانسته و آینده را متکامل ارزیابی می‌کنند:

چنان که هر نوع از موجودات با سرمایه اختصاصی خود به سوی کمال خود رهسپار می‌شود و هدایت می‌یابد؛ انسان نیز با هدایت تکوینی، به سوی کمال واقعی خود هدایت می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۱۳۴).

همچنین شهید مطهری درباره هدفمندی تاریخ و تکامل بشر و جوامع بشری می‌گوید:  
مسئله‌ای که اکنون همه ادیان، در رابطه با حضرت حجت پیش‌بینی می‌کنند که عدل کامل، صلح کامل، رفاه کامل، سلامت کامل و امنیت کامل برقرار خواهد شد؛ همان پیش‌بینی تاریخ و تکامل بشریت است؛ یعنی زندگی بشر در آینده منتهی می‌شود به عالی‌ترین و کامل‌ترین زندگی‌ها (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۱۷۸).

#### (ب) مهدویت

موعودگرایی، از مفاهیمی است که در همه ادیان وجود داشته و از ابتدای تاریخ بشر، در ذهن مردم بوده است؛ زیرا در ادیان آسمانی قبل از ظهور اسلام، مشاهده می‌شود که همگی از وقوع این حقیقت خبر داده‌اند و حتی صفات مصلح و راهکارهای اصلاحی او را بیان

کرده‌اند. بنابراین، مهدویت از آرمان‌های پایدار انسان در طول قرن‌ها و از مسلمات اعتقادی مشترک ادیان مختلف آسمانی بوده است؛ بدان دلیل که پیامبران گذشته در میان امت‌های خویش از اصلاح اساسی و اجرای عدالت همگانی سخن گفته و ظهور مصلح بزرگ را به پیروان خود وعده می‌دادند.

اعتقاد به ظهور مصلحی به نام مهدی عجل الله تعالی فرجه از اولاد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، مورد اتفاق همه فرقه‌های اسلامی است. عده‌ای از بزرگان اهل سنت، احادیثی در این زمینه آورده‌اند؛ از آن جمله ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، حاکم و طبرانی. بیش‌ترین مباحث مهدویت از نظر اهل سنت، براساس منابع سنت و اقوال محققین آن‌هاست. به اختصار یک حدیث از کتاب‌های معتبر آنان را ذکر می‌کنیم:

دنیا به پایان نمی‌رسد، مگر آن که مردی از اهل بیت من که اسمش اسم من است، مالک جهان عرب شود (هیتمی، ۱۳۸۵: ۲۴۹).

شیعه نیز معتقد است از نسل پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، شخصی همانا ایشان ظهور و جهان را از عدل و داد پر می‌کند؛ همان‌طور که از ظلم و جور پر شده است و مهدی عجل الله تعالی فرجه، دوازدهمین وصی تعیین شده پیامبر صلی الله علیه و آله است که در سال ۲۵۵ هـ. ق متولد شده؛ با شهادت پدر بزرگوارش، امام حسن عسکری علیه السلام، از سال ۲۶۰ هـ. ق تاکنون مسئولیت سنگین هدایت علمی و معنوی امت اسلامی و فیض‌رسانی و نور افشانی به جهانیان را - همچون خورشید پشت ابر (صدوق، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۶۵)؛ بر عهده داشته و دارد. قرآن و سنت، دو منبع اصلی اسلام، درباره حکومت واحد جهانی سخن فراوان دارند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱: ۴۴-۶۴)؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ  
(انبیاء: ۱۰۵).

در مورد این آیه، طبق روایت، «عباد صالح»، همان قائم عجل الله تعالی فرجه و اصحاب اویند (قمی، ۱۴۱۱: ۷۷). واژه «الارض» در آیه بدان معناست که آیه همه زمین در قلمرو حکومت صالحان قرار می‌گیرد و این، همان حکومت امت واحد است که به عنوان یکی از کارکردهای مهدویت

مورد بررسی است؛ چنان که در آیه دیگر آمده است:

الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ (حج: ۴۲).

حضرت باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

این [مژده] برای آل محمد علیهم السلام است. خدای تعالی مهدی علیه السلام و یارانش را در

مشارق و مغارب زمین پادشاهی می‌دهد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹، ج ۳: ۱۳۴).

در آیه دیگر، غلبه جهانی حق طلبان با دین حق همراه شده است:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه: ۳۳ و صف: ۹).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

به خدا سوگند! همانا که از آیین‌ها و دین‌ها، اختلاف را برطرف می‌کند و دین

همه‌اش یکی خواهد شد؛ همان گونه که او فرمود: همانا دین نزد خدا اسلام است

و خدای تعالی باز فرمود: هرکس از دینی جز اسلام پیروی کند، از او پذیرفته

نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۳: ۴-۵).

آیه دیگر، علاوه بر تأیید حکومت جهانی، به برخی اهداف آن اشاره می‌کند:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا

اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم

مِن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّنًا يَغُيْبُونَ لَهَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا... (نور: ۵۵).

بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه، معلوم می‌شود این آیه، به حکومت

آخرالزمان مربوط است که هم جهانی است و هم به دست منجی موعود مهدی علیه السلام است:

اگر بعد از این، قائم ما برخیزد، هر که او را درک کند آنچه را از این آیه تأویل

می‌شود، خواهد دید و دین محمد صلی الله علیه و آله به هر جا که شب به آن می‌رسد، یقیناً

می‌رسد؛ به حدی که مشرکی بر پشت زمین نباشد؛ همان گونه که خدای تعالی

فرموده است: مرا بپرستند و چیزی را با من شریک قرار ندهند (طباطبایی، ۱۴۱۱،

ج ۹: ۸۷).

آیه دیگر، از اراده حتمی خداوند مبنی بر امام و پیشوا قرار گرفتن مستضعفان و به ارث

رسیدن زمین به آنان و تمکن آن‌ها بر زمین حکایت دارد:

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ... (قصص: ۵-۶).

امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر آیه فرمودند:

این آیه مخصوص صاحب الامر است که در آخر الزمان ظهور و جباران و فرعون‌ها را ریشه کن می‌کند و زمین را از شرق و غرب در اختیار گیرد و آن را از عدل پر کند؛ همان گونه که از ستم پر شده است (بحرانی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۲۳۰). در این روایت، سخن از نابودی جباران و فرعون‌ها و برقراری عدالت جهانی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی می‌فرماید:

بدانید که زمین از حجت خدای عزیز، خالی نمی‌ماند؛ که اگر زمین حتی یک ساعت از حجت خدا خالی بماند، زمین، اهل خود را فرو خواهد برد؛ ولی بزودی خداوند، چشمان خلقش را از دیدار او کور خواهد ساخت؛ به سبب ظلم و ستم و اسراف که آنان به خود روا می‌دارند (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵، ج ۲۹: ۳۳۴).

اسلام، برای تثبیت حکومت صالح دستور می‌دهد:

قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ (انفال: ۳۹).

دستور جهاد، مطلق و فتنه بدون قید است و هر دو، به مقصد سلطنت بخشیدن به دین الهی است. امام فرمود:

مشرکان کشته می‌شوند تا خدای عزوجل را به یگانگی عقیده بورزند و تا آن که شرکی در میان نباشد و آن، در مورد قیام قائم ماست (بحرانی، ۱۳۹۸: ۷۸).

مهم‌ترین تأیید برای مفهوم این آیه و تأیید جهانی بودن حکومت منجی موعود، آیات و روایات متواتری است که خاتمیت و جهانی بودن اسلام را اعلام می‌کند (تکویر: ۲۷ و اعراف: ۱۵۸)؛ چون حکومت مهدوی، ادامه حکومت نبوی است که هم قابلیت‌های جهانی شدن را دارد و هم تجربه آن‌را. امام عسکری علیه السلام ولادت حضرت مهدی علیه السلام را به مادر او چنین مژده می‌دهد:

فَأَبْشِرِي بِوَكْدِ يَمْلِكِ الدُّنْيَا شَرْقًا وَ غَرْبًا وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۲۸).

امام باقر علیه السلام فرمود:



لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمٌ آلَ مُحَمَّدٍ... يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ الرُّومَ وَالصِّينَ وَالتُّرْكَ وَ  
الدِّيْلَمَ وَالسُّنْدَ وَالْهِنْدَ وَكَابُلَ شَاهِ وَالْخَزَرَ... (نعمانی، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

مخاطب پیام و ندای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تمام جهان است:

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الْأَمَامُ الْقَائِمُ (حائری یزدی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۸۲).

تمام این موارد گویای تشکیل امت واحد اسلامی در عصر ظهور است.

اهمیت فرهنگ مهدویت را می‌توان در هویت بخشی به فرد و جامعه دانست؛ جامعه‌ای که به آینده اعتقاد دارد و بر آن باور است که عصری دگر فرا خواهد رسید که از وضع موجود متفاوت است؛ از نقص‌ها بر کنار است و به اصطلاح دارای معیارهای «مدینه فاضله» است و می‌تواند زندگی امروز خود را نیز بر اساس مدل کامل سازمان دهد. به بیان دیگر، آینده‌پژوهی مهدویت، الگویی از وضع مطلوب ارائه می‌دارد و به دنبال سنجش موقعیت و منزلت کنونی با آن، و شبیه سازی جامعه امروزی با آن عصر است.

مهدویت در عصر غیبت، هویت ساز است. هویت فرد مسلمان با امام زمان خویش تعریف می‌شود؛ چنان که پیامبر خدا ص فرمود:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ کسی که بمیرد، در حالی که امام زمان خود را نمی‌شناسد، به مرگ جاهلیت مرده است (خزاز قمی، ۱۴۰۱: ۲۹۶).

در مکتب اسلام، امام، هویت بخش است و انسان را از جامعه جاهلی و عصر جاهلی جدا می‌سازد. بنابراین امام زمان عجل الله تعالی فرجه، بخشی از هویت و وجود شیعیان است.

### ج) وحدت اسلامی

«وحدت»، در لغت به یگانه (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۵: ۲۳۲ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۸۵۷) و همبستگی، همدستی، یکی بودن و یکدلی معنا شده است (عمید، ۱۳۶۱: ۱۱۳). این کلمه در مقابل دو واژه مذموم اختلاف (ناسازگاری) و تفرقه (پراکنده نمودن) قرار دارد (دهخدا، ۱۳۳۹، ج ۴: ۳۸۵). در اصطلاح، تعریف اتحاد امت اسلامی به «تبدیل یکی به دیگری» و یا «یکی شدن»، غیر قابل تحقق است؛ بلکه به معنی «تعامل بر اساس اشتراکات مذهبی» است (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۱: ۹۱). برخی از اندیشمندان، وحدت را مقوله‌ای رفتاری و

منشی، و به معنی سجایا و صفات، رفتارها و منش‌ها، پایبندی‌های پایدار و اخلاق برجسته معنی کرده‌اند (آل کاشف الغطاء، ۱۴۰۴: ۳۶). به هر صورت، معنی مورد نظر این مقاله از وحدت، با واژه «تقریب» مترادف است؛ بدین معنی که:

امت اسلامی با حفظ باورها و بینش‌های خود، و بر محور اشتراکات دینی، از جمله توحید، پیامبر اسلام ﷺ و قرآن کریم، در مقابل خطراتی که اصل اسلام و تمام مسلمانان را تهدید می‌کند، اتحاد و همبستگی داشته باشند و از اختلافات مذهبی، سیاسی، نژادی و زبانی پرهیز نمایند (علی اکبری، ۱۳۹۲: ۱۸۳).

همگرایی نعمتی الهی است که قرآن کریم بر این حقیقت صحه گذاشته است:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا؛ همه به ریسمان خدا چنگ زدید و پراکند نشوید، و نعمت خدا را بر خود یاد کنید؛ آن گاه که با هم دشمن بودید و او میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادر یکدیگر شدید؛ و بر پرتگاهی از آتش بودید و او شما را از آن رهانید (آل عمران: ۱۰۳).

قرآن کریم، فلسفه تشریح دین و بعثت پیامبران را نیز پیشگیری از هرگونه تفرقه و پراکندگی معرفی کرده است:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ؛ مردم، امتی یگانه بودند؛ سپس خداوند، پیامبران را مژده رسان و بیم دهنده برانگیخت و به همراه آنان، کتاب را به حق نازل کرد تا میان مردم در آنچه اختلاف داشتند، داوری کنند (بقره: ۲۱۳).

انسجام امت اسلامی آثار و برکات بسیاری به دنبال دارد؛ از جمله رسیدن به آرامش و آسایش (آل عمران: ۱۰۳ و انعام: ۶۵)؛ برچیده شدن زمینه سلطه بیگانگان و استعمارگران (قصص: ۴) و افزایش قدرت و هیمنه مؤمنان (انفال: ۴۶). از این رو، بر مسلمانان لازم است بر اصول دین اسلام تأکید ورزند و به ریسمان الهی (قرآن و پیامبر ﷺ) چنگ زنند و از آن

دور نشوند (نساء: ۵۹)؛ حقوق برادری را رعایت کنند، عیب یکدیگر نجویند و در حق یکدیگر گمان باطل نبرند (حجرات: ۱۱-۱۲) و نیز امر به معروف کنند و از کار زشت و ناهنجار پرهیز کرده و دیگران را نیز از آن‌ها باز دارند (آل عمران: ۱۰۴).

اندیشمندان مسلمان، برای وحدت انواعی بر می‌شمرند؛ از آن جمله «وحدت مطلق»، «وحدت مصلحتی» و «وحدت معقول». «وحدت مطلق» عبارت است از اتفاق نظر در همه عقاید و معارف و احکام اسلامی با همه اصول و فروع آن‌ها. این‌گونه وحدت با نظر به آزادی اندیشه و تعقل در خصوصیات و کیفیات و انتخاب دلایل در عناصر و اجزای اصلی عقاید و احکام دین اسلام، به قدری بعید است که می‌توان گفت امکان پذیر نیست.

«وحدت مصلحتی»، از جبر عوامل خارج از حقیقت و متن دین پیش می‌آید و در مواقعی لازم می‌آید که آن عوامل، جوامع اسلامی را در خطر اختلال قرار داده‌اند. توقع این که وحدت مصلحتی عارضی بتواند فرقه‌ها و مذاهب اسلامی را از هماهنگی و اتحاد همیشگی و معقول برخوردار سازد، انتظاری نابجاست.

«وحدت معقول»، وحدت مطلوب میان امت اسلامی است که عبارت است از قرار دادن متن کلی دین اسلام برای اعتقاد همه جوامع مسلمان و برکنار کردن عقاید شخصی و فرهنگ محلی و خصوصیات آرا و نظریات متعلق به هر یک از اجزای متن کلی دین که به تعقل و اجتهاد گروهی یا شخصی مربوط است. تحقق این نوع وحدت، هیچ مانع شرعی و عقلی ندارد. هر متفکر آگاه از منابع اولیه اسلام و طرز تفکر امامان معصوم علیهم‌السلام و صحابه و تابعان آنان، می‌داند که پیروی از متن کلی دین، با تکاپو و اجتهاد برای فهم خصوصیات و کیفیت انتخاب دلایل، امری ضروری است (موثقی، ۱۳۷۰: ۲۸-۳۰). از این رو، از منظر پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جامعه مؤمنان، به مثابه پیکری می‌ماند که افرادش، اعضای آن به شمار می‌آید (ابن حنبل، ۱۴۱۵، ج ۴: ۲۷). همچنین آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفُرْقَةُ عَذَابٌ (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۲: ۷۵۸).

## ۲. کارکرد وحدت اسلامی در آینده پژوهی مهدوی

آینده پژوهی در برخورد با آینده دو گرایش عمده دارد: گرایش بر وضع موجود و گرایش بر وضع مطلوب. گرایش نخست عمدتاً با نگرشی کاوشی - توصیفی در پی شناخت آینده‌ای محتمل بر پایه شرایط موجود بوده و بر آن است تا انواع داده‌های اجتماعی خاص را به پیامدهای مطلوب برساند و با به تصور درآوردن آینده مطلوب اتخاذ تصمیم‌های ویژه‌ای را برای دستیابی به آن توصیه کند. بنابراین، تعیین نقطه مطلوب در آینده، اولین گام در امید به تحقق راهبردهاست و ضرورت دارد برای رسیدن به رویکردهای مناسب در راهبردها تحقیقاتی صورت گیرد که بتوان به شناسایی نیازها و وضع موجود انسان معاصر پرداخت و ضمن احصای ضرورت‌های ترمیم وضع حاکم و گرایش به مطلوب‌سازی، نحوه سیر از وضع موجود به وضع مطلوب را شبیه‌سازی کند و به مورد اجرا گذارد (سلیمیان، ۱۳۸۴: ۱۵۱).

اهمیت توجه به آینده پژوهی در حوزه مهدویت می‌تواند محدوده بسیار وسیعی از جنبه‌های مختلف زندگی جوامع انسانی را پوشش دهد و کارکردهای دامنه دار و توانمندی را فراهم کند و در معرض برنامه‌ریزی قرار دهد، که از جمله مهم‌ترین آن‌ها کارکردهای فرهنگی اجتماعی و به طور خاص کارکرد وحدت امت اسلامی است.

گرچه به لحاظ اعتقادی، اعتقاد به امام زمان عجله الله تعالی فرجه و ظهور حضرت، در جوامع اسلامی وجود دارد؛ در میان عامه مردم، حالت انتظار کمرنگ بوده و در حد لازم برای اجرای برنامه‌های آینده پژوهی مهدوی نیست. بنابراین، با استفاده از مبانی آینده پژوهی می‌توان طبق برنامه ریزی استراتژیک، جامعه را برای پذیرش این آموزه مهیا نمود تا پس از آن، در زمینه سازی تحقق شرایط ظهور موفقیت حاصل شود.

کارکرد وحدت امت اسلامی باعث می‌شود رفتار افراد در جهت همسویی با جامعه و پیروی از آن، سوق داده شود و انسجام جامعه حفظ گردد (کازینو، ۱۳۶۴: ۷۱). چنین انسجامی در جهت تحقق جامعه مهدوی انجام می‌پذیرد؛ به گونه‌ای که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، درونی شده و با فرد یگانه گردد و او، خود را به اجرای آن ملزم ببیند و بدون این که تحت نظارت بیرونی قرار گیرد؛ به این ارزش‌ها عمل می‌کند. در این حالت، فرد، لحظه به لحظه

احساس نمی‌کند که به او فرمان داده می‌شود و عوامل بیرونی به او حکم می‌رانند؛ بلکه خود به خود، هنجارهای اجتماعی را عمل می‌کند. در واقع، سرچشمه همنوایی او با هنجارهای اجتماعی، انتخاب آگاهانه خود اوست، نه عوامل بیرونی (طالبان، ۱۳۷۶: ۳۵). بدین ترتیب، حالت انتظار در افراد پدید می‌آید.

انتظار در چشم‌انداز آینده‌پژوهی، از حالت امید به آینده فراتر می‌رود و به آینده‌نگری و تأمل و جست‌وجو در حوادث و شناخت و معرفت درست اوضاع تبدیل می‌شود. مهم‌ترین رکن این انتظار، آینده‌نگری، مسؤولیت‌شناسی، الگوبرداری و زمینه‌سازی برای رسیدن به وضعیت مطلوب است که می‌توان آن را «انتظار پویا» نامید. این انتظار، بر سامان بخشی به برنامه‌ها و رفتارهای فردی و جمعی تأثیر بسزایی دارد و در تعیین راهبردها و استراتژی‌ها بر اساس آینده موعود و وضعیت‌های ممکن و محتمل و مرجح، نقش ایفا می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت مهم‌ترین کاربرد آینده‌پژوهی مهدویت در عرصه اجتماع، ایجاد انسجام و وحدت اسلامی است.

معیار «امت واحد» از نظر اسلام، وجود عقیده توحیدی است. اسلام به جامعه جهانی با حفظ ملیت‌های مختلف منوط است؛ نه حذف آن‌ها (صوفی آبادی، ۱۳۸۳: ۱۰۹) و این تنوع و تکثر، از نوع پلورالیستی نبوده، بلکه از نوع وحدت در عین کثرت می‌باشد؛ یعنی جامعه باید در عین دارا بودن مشترکاتی که خود عامل انسجام در بین افراد جامعه می‌شود؛ بر تنوع و تکثر فرهنگی تکیه کند؛ چرا که یکی از دلایلی که اسلام با این وسعت در سراسر دنیا گسترش یافته، توانایی بر سازگاری و همراهی با دیگر فرهنگ‌ها بوده است (مک لولین، ۱۳۸۳: ۷۲). بنابراین، تنوع فرهنگی از دیدگاه اسلام با حفظ محوریت توحید، کاملاً پذیرفتنی است [و اسلام، با تکثر فرهنگی مخالفتی ندارد]. در آرمان شهر مهدوی نیز این موضوع، تأمین‌کننده منافع و مصالح اعضای آن و موجب استقرار امنیت و توسعه عدالت فردی و اجتماعی است و انسجام اسلامی، رمز پیروزی و ماندگاری جامعه مهدوی است؛ چنان‌که فرموده اند:

يَقُومُ قَائِمًا... ثُمَّ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ؛ آن‌گاه که قائم ما قیام کند... همه را بر یک فکر و مرام واحد گرد می‌آورد (نعمانی، ۱۳۸۳: ۲۰۶).

با بررسی این روایات و سایر احادیث در این زمینه، روشن می‌گردد که در میان یاران حضرت مهدی، وجوه اشتراک فراوانی وجود دارد و آنان امت واحد و جمع متشکلی به وجود می‌آورند و یکدل و متحد عمل می‌کنند؛ چنان که در روایتی درباره امام عصر علیه السلام آمده است:

هُوَ الَّذِي يَجْمَعُ الْكَلِمَ وَ يُتِمُّ النَّعْمَ؛ او کسی است که وحدت کلمه را ایجاد می‌کند و نعمت را کامل می‌سازد (حائری یزدی، ۱۴۰۴: ۱۶۹).

بر اساس این روایت، وحدت به وجود آمده، باعث پیروزی می‌شود. این همدلی و اتحاد کم نظیر در همه امور، حتی در اعتقادات و باورها نیز به وجود خواهد آمد:

فَوَاللَّهِ لَيُرْفَعُ عَنِ الْمَلِكِ وَالْأَدْيَانَ الْاِخْتِلَافُ؛ به خدا قسم! در آن روز اختلافات میان ملت‌ها و دین‌ها رفع می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۳: ۲).

و نیز

لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبُهَائِمُ؛ کینه‌ها و دشمنی از قلوب بندگان می‌رود و درندگان و چهارپایان در صلح با هم زندگی می‌کنند. (همان، ج ۵۲: ۳۱۶).

بنابراین، خداوند به دست مهدی علیه السلام وحدت کلمه را پدید می‌آورد و بین قلب‌های گوناگون، الفت ایجاد می‌کند (صدوق، ۱۳۹۰، ج ۲: ۶۴۶)

در نتیجه این اتحاد و انسجام، جنگ و ستیزه جویی‌ها به پایان می‌رسد و همه برادر وار و دوستانه با هم زندگی می‌کنند (مرعشی، ۱۴۱۵، ج ۱۳: ۲۰۴).

مبنای این اتحاد در جامعه مهدوی، خدا خواهی و خدا پرستی مطابق شریعت الاهی و دستورات عظیم و انسان ساز قرآن کریم است؛ به گونه‌ای که بدون پشتوانه قرآنی و الاهی، هرگز آرمان معنوی انسجام اسلامی محقق نخواهد شد و تشتت و اختلاف، سراسر جوامع بشری را فرا خواهد گرفت. بنابراین، ساختن مدینه فاضله‌ای که در آن، افراد متحد، فضیلت محور و ارزش مدار زندگی کنند، به توجّه به قوانین الاهی نیازمند است که توسط قرآن کریم و سخنان اهل بیت علیهم السلام برای تمام یاوران مهدی علیه السلام ترسیم و تعیین شده است؛ قوانین و دستوراتی که هر کدام به نوعی مؤلفه‌های تحقق وحدت امت اسلامی محسوب می‌شوند و در ادامه به سه مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

### ۳. مؤلفه‌های وحدت ساز حکومت مهدوی

#### الف) عدالت

«عدالت»، مولفه اساسی انسجام جوامع اسلامی در حکومت مهدوی، است. عدالت، مهرورزی و تعاون مسلمین را به دنبال داشته و تفرقه را می‌زداید (آل عمران: ۱۰۳ و انفال: ۱). در روایات، امام مهدی علیه السلام مظهر و تجلی کامل عدالت یاد شده است. صاحب مکیال المکارم در این باره می‌گوید:

بارزترین صفات نیکویش در عدالت است؛ لذا به عدل ملقب شده است؛ چنان‌که در صلوات حضرت می‌خوانیم: اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ (موسوی، ۱۳۸۱: ۱۸۹).

در واقع عدالت، شاخصه اصلی حکومت امام مهدی علیه السلام به شمار آمده و نهضت مهدویت با این واژه قرین شده است. امام کاظم علیه السلام درباره تأویل این آیه: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ بدانید خداست که زمین را پس از مرگ [و خزان] زنده می‌گرداند. ما آیات و ادله [قدرت خود] را برای شما بیان کردیم تا مگر فکر و عقل به کار بندید» (حدید: ۱۷)؛ چنین فرموده است:

خداوند بلند مرتبه، مردانی را بر می‌انگیزد تا عدل را احیا کنند؛ چون زمین با احیای عدل، زنده می‌شود (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۱۷۴ و استرآبادی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۶۲۲).

در حدیث امام صادق علیه السلام نیز حیات زمین پس از مرگ آن، به عدالت پس از ستم معنا شده است (بحرانی، ۱۴۱۷: ۲۲۲). ده‌ها و بلکه صدها حدیث دیگر در منابع معتبر شیعی در مورد عدل گستری آن ولی منتظر آمده است (اکبرنژاد، ۱۳۸۶: ۱۸۰-۱۸۱). در مصادر اهل سنت نیز از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل شده است:

همانا ظلم و ستم در زمین فراگیر خواهد شد... پس از آن، عدالت و دادگری آن را پر خواهد کرد؛ آن گونه که از ستم، پر شده است (صنعانی، ۱۴۰۳: ح ۲۰۷۶۷).

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت است که می‌فرماید:

جبرئیل به من چنین خبر داد که ظلم پایان می پذیرد؛ آن هنگام که قائم آنان قیام کند... (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۵۱؛ خوارزمی، ۱۴۱۱: ۶۲ و قندوزی حنفی، بی تا، ج ۳: ۲۷۹).

و نیز فرمود:

شما را به مهدی بشارت می دهم... [هنگام ظهور او] خداوند، دل های امت محمد ﷺ را از بی نیازی سرشار می سازد (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۴۷۸).

عدالت، به عنوان یکی از اهداف اصلی جامعه مهدوی، در مسیر بعثت انبیای الهی و ولایت معنوی اولیای خداوند متعال است. (حدید: ۲۵) بر همین اساس، پایه ارتباطات خیر خواهانه و ایثار و حمایت از دیگران را عدالت و حقوق آنان در این اجتماع تشکیل می دهد.

عدالت، دایره ای بسیار گسترده دارد که هم حکم و قضاوت: «وَإِذَا حَكَّمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸)؛ هم سخن و گفتار: «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا» (انعام: ۱۵۲)؛ و هم مسائل اقتصادی: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ» (اسراء: ۳۵) و اجتماعی: «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» (انعام: ۱۴۱) را در بر می گیرد. در جامعه آرمانی مهدوی، عدالت در قوانین مالی و اجرای آنها و سیستم توزیع اقتصادی و مساوات در تقسیم و در همه زمینه ها بدقت ظهور می یابد.

اجرای عدالت در جامعه مهدوی، برنامه عملی گسترده ای است که آثار عمیق و بی بدیلی در استواری، صلابت و گسترش وحدت اسلامی دارد؛ به طوری که مبنای سخن علامه طباطبایی درباره عدالت، در آرمان شهر مهدوی به طور کامل عملی شده و به واقعیت می پیوندد:

اگر در جامعه، حق، پیروی شود و قسط به پا داشته شود؛ آن مجتمع، سر پای خود خواهد ایستاد و از پا در نخواهد آمد و در نتیجه، هم غنی و توانگر باقی می ماند و از پای در نمی آید و هم حال فقیر اصلاح می شود (طباطبایی، ۱۴۱۱، ج ۵: ۱۰۹).

(ب) مهرورزی

توجه به مؤلفه «مهرورزی»، با از بین بردن زمینه های کینه و ایجاد فضای اخوت و



برادری، از اقدامات و برنامه‌های اساسی گسترش اتحاد اسلامی در آینده پژوهی مهدوی است؛ زیرا صمیمیت و صفا با التفات به این مؤلفه عظیم، بین مردم و اعضای جامعه مهدوی به طور کامل امکان پذیر می‌شود؛ یعنی با مؤلفه مهرورزی، پایه‌های اتحاد اعضای جامعه مهدوی شکل گرفته و تقویت می‌گردد و روابط آنها محبت آمیز و به دور از تکبر می‌شود و جامعه در مسیر مطلوب خود قرار می‌گیرد. این رفتار مبنای قرآنی دارد؛ چرا که جامعه مهدوی، جامعه‌ای کاملاً ایمانی است که مطابق قرآن، همه با هم برادرند (حجرات: ۱۰) و خداوند، آنان را عضو امت یگانه و بزرگ اسلامی و بندگان حقیقی خود خوانده است (مؤمنون: ۵۲). بنابراین، مهرورزی، تألیف قلوب را در پی داشته و راه‌های تفرقه را می‌زداید و زدودن تفرقه، از برنامه‌های اصیل و مهم جامعه سازی مهدوی است: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» (آل عمران: ۱۰۳).

یکی از راه‌های گسترش مهرورزی، رواج دائمی تقوا در همه زمینه‌هاست: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (انفال: ۱). بدین ترتیب انسجام نیز قطعی شده و با رویکردی حقیقی گسترش می‌یابد و اختلافات از میان مردم رخت بر می‌بندد. با اتحاد اسلامی، دین خداوند به طور کامل در جامعه موعود حاکم می‌شود و صراط مستقیم الهی، تنها مسیر هدایت و اندیشه نیروها و اعضای این جامعه است: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری: ۱۳). بنابراین، در سنت مهدوی مانند سنت نبوی، مهرورزی و دوستی با یکدیگر: «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹)؛ در پرتو جلال و عظمت الهی، صفت مؤمنان مقرب و یاوران حقیقی موعود نزد خداوند معرفی شده است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۷۲).

### ج) تعاون

بسط و گسترش اصل «تعاون» و همدلی اعضای جامعه اسلامی، یکی از مؤلفه‌های اساسی تحقق وحدت اسلامی در جامعه ی مهدوی است. دیدگاه اسلام، مبنای مؤلفه مذکور در این خصوص است:

اعضای جامعه اسلامی عضو یک پیکرند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۶۵).

آنان باید دست به دست هم بدهند تا با همکاری و تعاون، مشکلات را حل کنند و

همکاری‌ها بر محور «بر» و نیکوکاری و تقوا باشد؛ نه بر محور «اثم» و گناه. نیز در تعاون و همکاری‌ها باید تنها مصلحت جامعه اسلامی و آرمانی مهدوی و رضایت خداوند را در نظر گرفت.

زمینه شکل‌گیری مؤلفه تعاون و همدلی در جامعه آرمانی مهدوی و توجه به آن از دیدگاه قرآن کریم، عبارت است از تعاون و مشارکت در کارهای خیر و تقوا و عدم همکاری در گناه و تجاوز: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲) و عصر ظهور، عصر تبلور همدلی‌ها و همکاری‌های مستمر در امور است. خداوند علاوه بر دعوت به تعاون و همدلی، راه‌های آن را پیش رو نهاده، برای حضور همگانی در عصر موعود تا آمادگی هر چه بهتر فراهم باشد و بهانه‌جویی‌ها برای گریز از این مسئولیت بزرگ اجتماعی منتفی شود. از جمله سلام کردن به هر مؤمن، هنگام ملاقات: «وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (انعام: ۵۴) و سلام دیگران را به نیکی جواب دادن، حتی در حال نماز (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۳، ۳۶۶)؛ حضور فعال در اجتماعات مذهبی؛ مانند نماز جماعت و جمعه و پرداخت زکات: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ» (بقره: ۴۳)؛ متعهد بودن برابر خویشاوندان و همسایگان از هر ملت و مذهب: «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالتَّقْوَىٰ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ» (نساء: ۳۶)؛ خیرخواهی و ابراز خالصانه‌ترین آرزوهای نیک قلبی و در خواست آمرزش از خداوند متعال برای برادران مؤمن: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا» (حشر: ۱۰) و: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»؛ (ابراهیم: ۴۱) از جمله این راه‌هاست. وجود سه مؤلفه عدالت، مهرورزی و تعاون در جامعه، سبب می‌شود افرادی که دارای تمایلات روحی و گرایش‌های فکری واحد هستند، به هم پیوند خورده و جامعه را بسازند.

#### نتیجه

ایده ظهور منجی و تحقق جامعه ایده‌ال، عقیده‌ای است که پیروان ادیان سه‌گانه ابراهیمی و بخش چشم‌گیری از سایر ملل، بدان ایمان دارند. غایت حکومت واحد جهانی در جامعه

مهدوی، توحید محوری، اجرای عدالت فراگیر و بهره مندی عموم مردم از مواهب و نعمت‌های مادی و معنوی به صورت مساوی و در یک تعبیر، سعادت‌مندی بشری است. حکومت جهانی مهدوی، حکومت تهی از تبعیض و سرشار از عدالت و برابری، امنیت و معنویت، صلح و سازش خواهد بود که موجبات انسجام اجتماعی و وحدت اسلامی را فراهم می‌آورد.

«آینده‌پژوهی»، سبب گسترش فرهنگ انتظار شده و همواره عامل حرکت و سازندگی می‌تواند باشد و در صورت انطباق با آموزه‌های اسلامی، می‌تواند با کارکردهای نظری و عملی خود در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، تبیین بخش آموزه مهدویت باشد. در حقیقت، آینده‌پژوهی، به مثابه ابزاری برای کاربردی کردن آموزه مهدویت است.

یکی از مهم‌ترین این کارکردها، وحدت امت اسلامی است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت. برای محقق ساختن وعده الهی مبنی بر حاکمیت ارزش‌های اسلامی به وسیله گسترش اتحاد اسلامی در میان ملل مسلمان و تشکیل امت متحد و یگانه اسلامی، باید همه مذاهب اسلامی در پرتو قرآن و بر اساس سنت و سیره نبوی و اهل بیت علیهم‌السلام، برنامه ریزی کرده و گامی به سوی جلو بردارند، تا زمینه جامعه متحد و منسجم جهانی به رهبری حضرت مهدی علیه‌السلام فراهم آید.

جامعه مهدوی، در سایه اتحاد امت اسلامی با مؤلفه‌های قرآنی عدالت، مهرورزی، تعاون و همدلی محقق خواهد شد. بدین ترتیب، جامعه جهانی واحد و تکامل یافته‌ای به رهبری حضرت مهدی علیه‌السلام تشکیل خواهد شد که در آن، همه ارزش‌های امکانی و بالقوه انسانیت، به فعلیت می‌رسد و انسان، به کمال و سعادت واقعی خویش دست خواهد یافت. از این رو رسالت همه مذاهب و فرق اسلامی، برنامه ریزی و گام برداشتن در جهت تحقق جامعه‌ای متحد و منسجم طبق اهداف نبوی صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بر مبنای قرآن و سیره معصومان علیهم‌السلام می‌باشد که همان رسیدن به عصر ظهور و جامعه مهدوی است.

## منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. آل کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۴۰۴هـ.ق). *کیف يتحد المسلمون حول الوحده الاسلاميه، افکار و دراسات*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲. ابراهیم نژاد، محمدرضا (۱۳۸۵). *پیامبران و تمدن آینده بشر*، مکتب اسلام، سال چهل و ششم، شماره ۲، (پیاپی ۶۰۲).
۳. ابن حنبل، احمد (۱۴۱۵هـ.ق). *مسند*، بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العربی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴هـ.ق). *لسان العرب*، قم، نشر ادب حوزه.
۵. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمه*، تبریز، مکتبه بنی هاشمی.
۶. استرآبادی، سید شرف الدین (۱۴۰۹هـ.ق). *شرح تأویل الآيات الظاهره*، تحقیق: حسین الاستاد ولی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۷. اکبرنژاد، مهدی (۱۳۸۶). *بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت*، قم، مؤسسه فرهنگی انتظار نور، بوستان کتاب.
۸. بحرانی، هاشم (۱۴۱۷هـ.ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه بعثت.
۹. بحرانی، هاشم (۱۳۸۹). *المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه*، قم، بی نا.
۱۰. پرومیچچ (۱۳۸۷). *آینده پژوهی و مدیریت آینده*، ترجمه عبداللّه حیدری، تهران، مرکز آینده پژوهی و اطلاع رسانی.
۱۱. تهانوی، محمد علی (۱۹۹۶). *موسوعه کشف اصطلاحات الفنون والعلوم*، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
۱۲. حائری یزدی، علی (۱۴۰۴هـ.ق). *الزام الناصب فی اثبات الحجّه الغائب*، بیروت، نشر اعلمی للمطبوعات.
۱۳. خوارزمی، موفق (۱۴۱۱هـ.ق). *مناقب علی بن ابی طالب*، تحقیق: مالک المحمودی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۹). *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲هـ.ق). *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق، دارالقلم.
۱۶. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۴). *بازگشت به دنیا در پایان تاریخ*، قم، بوستان کتاب.
۱۷. شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۸۱). *استراتژی انتظار*، تهران، موعود عصر، ش ۲ و ۱.

۱۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۹هـ.ق). **منتخب الاثر**، قم، مؤسسه انتشاراتی حضرت معصومه علیها السلام.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۰). **کمال الدین و تمام النعمه**، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، نشر مکتبه الصدوق.
۲۰. صنعانی، عبدالرزاق (۱۴۰۳هـ.ق). **المصنّف**، تحقیق: حبيب الرحمن الاعظمی، بیروت، منشورات المجلس العالمي.
۲۱. صوفی آبادی، محمود (۱۳۸۳). اسلام، جهانی شدن و پیامدهای فرهنگی آن، **مجله اندیشه صادق**، ش ۱۶ تا ۱۹.
۲۲. طالبان، محمد رضا (۱۳۷۶). **مطالعه تطبیقی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر و نظارت اجتماعی**، معاونت آموزش و پرورش دفتر پژوهش‌های اجتماعی.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۰). **شیعه در اسلام**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۱هـ.ق). **المیزان**، بیروت، مؤسسه اعلمی.
۲۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۴۱هـ.ق). **الغیبه**، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
۲۶. طوسی، محمد (۱۴۴۱هـ.ق). **الامالی**، تهران، مؤسسه البعثه.
۲۷. علی اکبری، راضیه (۱۳۹۲). **سبک زندگی امام صادق علیه السلام در فرهنگ سازی وحدت**، مجموعه مقالات همایش سبک زندگی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.
۲۸. عمید، حسن (۱۳۶۱). **فرهنگ عمید**، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۱۱هـ.ق). **تفسیر قمی**، تصحیح موسوی جزائری، بیروت، دارالسرور.
۳۰. قندوزی حنفی، سلیمان (بی تا). **ینابیع الموده**، تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، بیروت، أسوه.
۳۱. کازینو، ژان (۱۳۶۴). **قدرت تلویزیون**، ترجمه علی اسدی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۳۲. کتیری، حمید (۱۳۸۸). **دین آینده و آینده دین**، موعود، شماره ۱۰۰.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). **الکافی**، تصحیح: علی اکبر الغفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۴. مجلسی محمد باقر (۱۴۰۳هـ.ق). **بحار الانوار**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹). **میزان الحکمه**، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دار الحدیث.
۳۶. مرعشی نجفی، شهاب الدین (۱۴۱۵هـ.ق). **ملحقات الاحقاق**، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). **مجموعه آثار**، قم، صدرا.
۳۸. مک لولین، شون (۱۳۸۳). **دین، مراسم مذهبی و فرهنگ**، ترجمه افسانه نجاریان، اهواز، نشر رش.

۳۹. خزاز قمی، علی بن محمد، (۱۴۰۱هـ.ق)، *کفایة الاثر*، قم، بیدار.
۴۰. ملکی فر، عقیل (۱۳۸۵). *القبای آینده پژوهی*، تهران، کرانه علم.
۴۱. منصوری، رضا (۱۳۷۷). *عزم ملی برای توسعه علمی و فرهنگی*، تهران، طرح نو.
۴۲. موثقی، احمد (۱۳۷۰). *استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۳. موسوی اصفهانی، سیدمحمدتقی (۱۳۸۱). *مکیال المکارم*، مترجم سیدمهدی حائری قزوینی، قم، ناشر ایران نگین.
۴۴. نعمانی، ابو عبدالله محمدبن ابراهیم (۱۳۸۳). *الغیبه*، تبریز، بی نا.
۴۵. نودهی، علیرضا (۱۳۸۴). *نظریه اختیاری بودن ظهور*، تهران، موعود عصر.
۴۶. هندی، علی الممتقی (۱۴۰۵هـ.ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، تصحیح: صفوه السقا، بیروت، مؤسسه الرساله.
۴۷. هیتمی، ابن حجر (۱۳۸۵). *الصواعق المحرقة*، قاهره، مکتبه القاهره.

